

خبر

بازدید رییس جمهور

از مناطق سیلزده چابهار

بخش سیاسی – حسن روحانی رییس جمهوری پس از ورود به فرودگاه کنارک در جنوب سیستان و بلوچستان با بالگرد از مناطق سیلزده چابهار بازدید کرد.

رییس جمهوری به منظور بازدید از مناطق سیلزده استان سیستان و بلوچستان، بررسی روند امداد رسانی و حل مشکلات سیل زدگان روز شنبه وارد چابهار شد و مورد استقبال استاندار و نماینده ولی فقیه در استان قرار گرفت. دکتر روحانی بلافاصله پس از ورود به فرودگاه کنارک، از طریق بالگرد عازم مناطق سیلزده شد تا ضمن بازدید از این مناطق، از نزدیک در جریان روند امداد رسانی و اقدامات انجام شده در این زمینه قرار گیرد. وی در سفر یک روزه خود به استان سیستان و بلوچستان علاوه بر بازدید از مناطق سیل زده، در جلسه ستاد مدیریت بحران استان نیز شرکت می کند.

رییس دفتر رییس جمهوری و وزرای کشور، راه و شهرسازی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، نیرو، ارتباطات و فناوری اطلاعات و سرپرست وزارت جهاد کشاورزی، رییس جمهوری را در بازدید از مناطق سیل زده سیستان و بلوچستان همراهی کردند.

●●●●●

وزیر خارجه پاکستان:

ایران به دنبال تنش در منطقه نیست

بخش سیاسی – وزیر امور خارجه پاکستان گفت که ایران خواستار افزایش تنش ،مناقشه و درگیری در منطقه و جهان نیست .

شاه محمود قریشی در پایان سفر دو روزه رسمی خود به آمریکا در گفت وگو با خبرنگاران با اشاره به دیدار وی با مقامات ایرانی پیش از سفر به آمریکا تصریح کرد سبکناک هایی که ما از مقامات ایرانی دریافت کرده ایم نشان می دهد که ایران به دنبال درگیری در منطقه نیست بلکه خواستار کاهش تنش با کشورهای همسایه خود است.

وی افزود:در دیدار اخیر با مقامات ایرانی، آنان موضوعات مختلف از جمله اختلافات با برخی دیگر از کشورهای منطقه را مطرح کرده و تاکید کردند که تهران در هر سطحی آماده تعامل هستند.

وزیر امور خارجه پاکستان در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت در سفر به آمریکا با وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی آمریکا در خصوص اوضاع منطقه، تحولات افغانستان و تلاش ها برای تنش زدایی در خاورمیانه گفت وگو کرده است.

●●●●●

روسیه به تروئیکای اروپایی درباره اقدام علیه برجام هشدار داد

بخش سیاسی – نماینده دائمی روسیه در سازمان های بین‌المللی در وین و اژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد: مسکو به تروئیکای اروپایی شامل فرانسه، آلمان و انگلیس در مورد پیامدهای آغاز به کار ساز و کار حل اختلافات در برجام هشدار داده است.

«میخائیل اولیانوف» در گفت وگو با ایرنا با تاکید بر مخالفت روسیه با آغاز بکارگیری این ساز و کار خاطرنشان کرد: کرملین نسبت به این اقدام سه کشور اروپایی دیدگاه منفی دارد.

وزیران سه کشور اروپایی انگلیس، آلمان و فرانسه از اعضای اروپایی برجام سه‌شنبه هفته گذشته با صدور بیانیه‌ای از آنچه فعال کردن مکانیسم حل اختلاف در این توافق بین‌المللی خوانده اند، خبر دادند.

نماینده دائمی روسیه در آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایرنا گفت: ما با گوشزد کردن پیامدهای منفی این ساز و کار، شرکای غربی را از چنین گامی برحذر داشته‌ایم.

وی در پاسخ به پرسشی در این باره که ایران چه واکنشی می تواند به این رویه که از سوی اعضای اروپایی برجام آغاز شده داشته باشد، اظهار داشت: دادن توصیه به شرکای ایرانی در مورد چنین مساله حساسی بویژه از طریق رسانه‌ها غیرممکن است.

مقام‌های روس در روزهای اخیر از اقدام سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان در خصوص برجام انتقاد کرده اند.

سرگئی لاوروف کفیل وزارت امور خارجه روسیه روز جمعه در یک نشست خبری با اشاره به اقدام سه کشور اروپایی شامل فرانسه، آلمان و انگلیس که اعلام کرده اند ساز و کار حل و فصل اختلافات در چارچوب برجام را راه اندازی می کنند، اظهار داشت: این وضعیت نگران کننده است، اوضاع پیرامون برجام سیر خطرناک پیدا کرده است.

وی ادامه داد: ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه بارها هشدار داده است که اروپایی ها در یک مرحله ای از وضعیت پیرامون ایران استفاده می کنند تا این کشور را مقصر بدانند.

بخش سیاسی – چند روزی از اظهارات جنجالی زینب ابوطالبی، مجری سابق و کارشناس کنونی شبکه افق می‌گذرد. اظهاراتی که از همان لحظات اول واکنش تند افکار عمومی را به دنبال داشت. او در برنامه‌ای که به صورت زنده از شبکه افق پخش می‌شد، گفت: «اگر کسی اعتقاد ندارد جمع کند از ایران برود، اگر هم اعتقاد دارد باید جدی وارد میدان شود. امروز همه ایرانیان به نوعی زندگی سلحشورانه احتیاج دارند. »

بسیاری از کنش گران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، این اظهارات را ناشی از باور ایدئولوژیک گروه خاصی می‌دانند که ایران را نه وطن تمام اتباعش بلکه ملک خصوصی افراد متعدد به عقاید خاص آن می‌دانند.

گرچه ویدیوی اظهارات زینب ابوطالبی به شکل گسترده‌ای میان مردم دست به دست می‌شود و تعجب بسیاری را برانگیخته است. اما این اولین بار نیست که فردی بنا به تفکر و عقیده اش، جامعه را دسته بندی می‌کند. در طول دهه‌های اخیر بارها این اتفاق افتاده که شخصی خطاب به جامعه گفته است که اگر این تفکر را قبول ندارید از ایران بروید.

این نگاه از دید پژوهشگران تبعات مختلفی دارد. اما مهم‌ترین آن‌ها شکافی است که این عقاید در جامعه ایجاد می‌کند و با تحمیل یک ایدئولوژی، سعی در دسته

بندی افراد جامعه دارد.

این فرد یا افراد واضح و صریح «ما» و «آن ها» را تعریف می‌کنند و خطاب به آن‌ها می‌گویند اگر با ما نیستید، پس بروید.

از دیدگاه پژوهشگران این نگاه تفرقه افکنانه است و می‌تواند منجر به دسته بندی قومی و زبانی در کشور شود و تبعات آن می‌تواند افکار تجزیه طلبانه را مجدداً فعال کند. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا فرد یا افرادی این حق را دارند که به دیگری یا دیگران بگویند که اگر مخالف دیدگاه و عقیده هستید پس از وطن تان بروید؟

در ادامه، گفتگوی دکتر بیژن عبدالکریمی دانشیار فلسفه و استاد دانشگاه با فرارو، درباره «ایران چیست» و «ایران متعلق به کیست» و سولاتی پیرامون این موضوع، از نظر مخاطبان محترم می‌گذرد.

اینکه ایران چیست، در واقع سوالی است که پاسخ واحدی ندارد وهر پاسخی که می‌دهیم از منظر و چشم اندازی خاص و یک برساخت تاریخی و فرهنگی است، یعنی بسته به این دارد که چه کسی به این پرسش پاسخ می‌دهد و فرد پاسخ دهنده در کجا ایستاده و چگونه به ایران می‌نگرد. گاه ما از ایران سیاسی، گاه از ایران شیعی و گاه از ایران فرهنگی صحبت می‌کنیم. پاسخ به این سوال که ایران چیست و قوام ایرانیت به چیست چندان ساده نیست. اما با توجه به این پرسش که «ایران متعلق به کیست»، باید عرض کنم که در اینجا یک رابطه دیالکتیکی وجود دارد؛ ایران متعلق به ایرانیان است. مفهوم ایرانیت را ایرانیان مشخص می‌کنند ومفهوم ایرانی بودن را پاسخ به پرسش از چیستی ایران تعیین می‌کند و هر دو پاسخ نیز یک برساخت تاریخی است.

آیا «فرد یا افراد» این حق را دارند که به «دیگری یا دیگران» بگویند، اگر با این ایدئولوژی مخالف هستید، پس از این سرزمین بروید؟

واقعیت این است که آیا مگر من به عنوان یک ایرانی، به خواست و اراده‌ی خودم دراینجا قرار گرفته ام که به خواست و اراده‌ی خودم از اینجا بروم؟ در واقع ایرانیت من بخشی از مجبولیت؛ یعنی بخش از رویدادگی، واقع بودگی یا به تعبیری بخش از «FACTICITY» یا «FACTUALITY» من است.

در واقع بسیاری از شرایط و موقعیتی‌هایی مثل نژاد، تاریخ، فرهنگ، جنسیت، طبقه اجتماعی و نیز ملیتی در آن قرار گرفته ام، عطیه و هستی نسبت به من است، یعنی ایرانی بودن من یک عطیه‌ای از جانب هستی یا خداوند به اینجانب است؛ همانطور که جان من عطیه‌ای است از جانب خداوند؛ و هیچ کس حق ندارد که بی دلیل جان من را از من بگیرد. از سوی دیگر سرزمینی که من در آن متولد شده ام و فرهنگی که من در آن رشد یافته ام، نیز یک عطیه الهی ست و هیچ قدرتی نمی‌تواند این را از من بی‌دلیل اخذ کند. من صاحب این سرزمین هستم و متعلق به من است و مثل جان من می‌ماند. بی تردید اگر کسی بخواهد جان من را بدون دلیل بگیرد، من در برابرش عکس العمل به خرج خواهم داد، به همان اندازه اگر کسی بخواهد سرزمین من را از من بگیرد و من را به اصطلاح «فنی بلد» کند و این عطیه الهی را از من (بدون دلایل قانونی و مورد اجماع جامعه) بگیرد، این حق طبیعی و الهی من است که از خودم در برابر کسانی که مرا تهدید می‌کنند، دفاع کنم.

اما نکته‌ای که لازم می‌دانم در اینجا بیان کنم، این است که ما در یک شرایط بسیار پیچیده و بد تاریخی قرار داریم. در واقع ما در برابر هجمه عظیم نظام جهانی قرار گرفته‌ایم وآنچه که بیش از هر زمان دیگری در حال حاضر به آن نیاز داریم، در واقع فراهم کردن بستری است که سرمایه اجتماعی به کشور بازگردد، اعتماد اجتماعی افزایش یابد و روح ملی و روح مشترک در جامعه شکل گیرد. متأسفانه کشور ما روح ملی آن، بسیار آسیب دیده است و امروز ما با یک کشور و ملتی به نام ایران مواجه نیستیم، بلکه ما با یک ملت پاره پاره شده مواجه هستیم. حادثه بزرگی روی داد و آن شهادت سردار سلیمانی بود. بسیار احمقانه است اگر کسی فکر کند که آنچه در تشییع جنازه این سردار روی داد، حاصل مثلاً دادن ساندیس بوده یا نتیجهٔ اعمال زور و ارعاب قدرت سیاسی بوده است. آنچنان که بعضی از مشاوران امنیتی ترامپ گفتند و بسیار نادرست و غیرمنصفانه است که

بگویم این جمعیت عظیم که برای تشییع جنازه پیکر سردار سلیمانی آمدند، برای پشتیبانی از نظام سیاسی کشور بوده است. آنچه که روی داد در واقع غلیان روح مشترک ملت بود. دراین میان نه قدرت سیاسی این انتظار را داشت و نه اپوزیسیون و نه روشنفکران چنین انتظاری داشتند. در واقع ملت ما شبیه یک کوه یخی می‌ماند که یک سطح ظاهری دارد که بخشی از آن بیرون از آب است، اما بخش وسیع‌تر آن، روح مشترک، ضمیر ناخودآگاه و آن ارزش‌هایی که به اسلام و تشیع نیزمحدود نمی‌شود، بلکه مرتبط با روح مشترک ملی ما ایرانیان بود که حاصل یک تاریخ ده هزار ساله است. در تشییع جنازه سردار سلیمانی روح ملی مشترک به حرکت درآمد و این روح دربرگیرنده هم پوزیسیون و هم اپوزیسیون بود و ما امروز بیش از هر روزگار دیگری به این روح مشترک نیازمندیم.

این ملت کهن در این حادثه ضمیر ناخودآگاه و روح مشترک شان غلیان پیدا کرد و چه حادثه عظیم و شگف انگیز و قابل تأملی بود. در این میان تنها جریاناتی که بتوانند با این روح مشترک ارتباط برقرار کنند، می‌توانند مسائل این کشور را حل کنند. حال آرمان ما چه مبارزه با نظام جهانی باشد، چه تحقق عدالت و چه تحقق دموکراسی، متأسفانه هم قدرت سیاسی و هم روشنفکران ما با این روح

امروز و هرروز

با گیلان امروز

۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵ ۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵

Gilan-today.com

ایران چیست و متعلق به کیست

حضور دارد؛ مثل حکمت عمیقاً معنوی و دینی ایرانی، عشق به علی، عشق به حسین، عشق به ارزش‌های متعالی شیعی و فرهنگ اصلی که ریشه هایش حتی قرن‌ها قبل از ظهور اسلام در این سرزمین شکل گرفته است و چون این ریشه‌ها و این فرهنگ در میان ملت ما وجود داشت این ملت سراغ اسلام و تشیع رفت. حال هر کسی که این وجدان مغفوله و تاریخی این ملت بزرگ را درک نکند و با آن در بیفتد شکست خواهد خورد و این ملت با تمام نجابتش روزی در برابر هر قدرتی که روح مشترکش را بیبازرد طغیان خواهد کرد. قدرت سیاسی و حامیان گفتمان انقلاب نیز تنها تا زمانی که با این روح مشترک سازگار باشند، مشروعیت خواهند داشت و چنین نیست که بتوانند برای همیشه و همه وقت این روح را به نفع خود مصادره نمایند.

دکتر سید سعید جلالی:

حکمت، تفکر و جهان بینی ایرانی در تضاد با تک نگاهی و انحصار است
در ادامه این موضوع از منظر تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. دکتر سید سعید جلالی، پژوهشگر تاریخ ایران در گفتگو با فرارو این موضوع را بررسی کرده است که در ادامه از نظر مخاطبان محترم خواهد گذشت.

در کنار همه تعاریفی که در مورد ایران وجود دارد. باید به این سوال پاسخ داد، که اصولاً جامعه ایران چگونه شکل گرفته، تداوم یافته و به تکامل و وحدت رسید؟ بنابراین باید ماهیت جامعه ایران را دریافت تا به ذات آن رسید و چیزهایی که بر آن عارض شده را شناخت. باید دید این جغرافیای خاص چه عناصری را در خود پرورانده است. اقتضای پرورش عناصر فرهنگی و تمدنی، اجتماعی چه بوده است. یکی از آن‌ها این است که همه گونه جمعیت و بافت اجتماعی را در خود داشته و دارد.

وقتی کانون‌های جمعیتی در نقاط گوناگون ایران، همانند جیرفت، سیستان، زاگرس، کلاردشت، سواحل و... شکل گرفتند، به اندازه قوت و شعاع نفوذشان پیشروی و در یک نقطه به همدیگر رسیدند و به تدریج آمیخته شدند و این فرایند حدود ۵ هزار سال طول کشید.

به عبارتی ما می‌گوییم که یک جغرافیایی خاص داریم با نیروهای اجتماعی خاص که از استقرار این نیروها و در نتیجه مبادلات و مناسبات اجتماعی و اقتصادی میان آنان نظام معرفتی و حکمت ایرانی شکل گرفت. نظام فکری ایرانی در نتیجه دست در دست هم دادن کانون‌های تمدنی و فکری تمامی نیروهای اجتماعی بوده و کانون‌های جمعیتی کوچک دست به دست هم دادند و کانون‌های جمعیتی بزرگ‌تر را با نام ایران شکل دادند.

نظام سیاسی و دیوانی ایرانی هم از همین جا شکل گرفت و امپراتوری بزرگ ایرانی از دل آن بیرون آمد. نظام سیاسی ایران در دو هزار سال قبل در نتیجه اجماع و هم افزایی مجموعه نیروهای اجتماع شکل گرفت که در پهنه ایران زمین می‌زیستند. در نتیجه باید گفت که مجموعه‌ای از نیروهای اجتماعی با آراء، عقاید و اندیشه‌ها، جهان بینی ایرانی را بوجود آوردند.

ایران متعلق به کیست؟

حکمت، تفکر و جهان بینی ایرانی در تضاد با تک نگاهی و انحصار است؛ چرا که جوهر این تمدن بر انبساط است نه بر انقباض. جایگاهی که حکیمان و نجیبان در داخل این جامعه دارند خاص است. آیا حکیمان از قشر و قوم خاص بودند و حکمت در نتیجه تراوش یک ایدئولوژی و یک جهان بینی بوده و در برساختن این جهان بینی و حقیقت ایرانی، آیا یک تحله فکری و پیروان نگرش و آئین نقش داشتند؟ قطعاً جواب منفی است.

برای اینکه حکمت ایرانی در عصر باستان ساخته شود، در عین اینکه زرتشتی‌ها نقش ایفا کردند، مانوی ها، مزدکی ها، بودایی ها، مسیحی ها، صابئی‌ها (مندایی) نیز نقش داشتند و این در قالب نظم، نثر، حماسه و روایت‌ها و اسطوره سازی‌ها تجلی یافت و اقتضای این جامعه هم حضور تمامی افکار و محله‌ها و مشرب‌های فکری بوده است.

آیا همه نیروهای اجتماعی در ایران، در زایش اندیشه‌های فکری در ایران نقش داشته اند؟ به ضرس قاطع می‌گویم آری. یعنی حقیقت ایران بر تارک تمامی نیروهای اجتماعی ایران استوار است. این قوای اجتماعی از یک جنس، یک طبقه و از یک سنی نبودند بلکه متکثر بودند. فرهنگ و حکمت ایران در نتیجه مشارکت و مصالحه همه عناصر فرهنگی و گفتمانی شکل گرفت.

هیچ کسی به این بهانه که بر بال یکی از این اندیشه‌ها و بر تارک یکی از این ایدئولوژی‌ها نه‌شسته، حق ندارد که دیگری را طرد کند و خود را به ایران نزدیک‌تر بداند و دیگری را از ایرانی بودن دور بداند. این با ذات جامعه ایران بیگانه است.

جامعه ایرانی هیچ گاه جامعه طرد کننده‌ای نبوده است. ایرانیان حافظ تمامی جان‌ها و همه ایده‌ها و مکاتب بوده اند. اگر قرار بر این بود که مکتب کشی و اندیشه کشی و ایدئولوژی کشی شود، الان باید جامعه ایران یک دست می‌شد.

زیبایی و حقیقت برتر جامعه ایران در حال حاضر هم براین است که انسان‌ها در عین اینکه در آرمان‌های مشترک، وحدت و اتفاق نظر دارند، هر کسی تعدد و تنوع و منابع فکری خود را دارد. تکیه بر استثنا و دور شدن از قاعده موجب تقلیل و تضعیف کشور و تمدن می‌شود. قاعده تمدن ایرانی در شنیدن هاست. چنین تمدنی کانون جذب دارد، کانون‌های دفع نامشابه‌ترین و نامتجانس‌ها به این فرهنگ و تمدن هستند.



مشترک و این وجدان مغفوله اجتماعی – تاریخی بی تفاوت هستند. شاید بتوان گفت در تاریخ معاصر ما شریعتی تنها فردی بود که توانست این روح را کشف کند و آن را به حرکت درآورد.

اظهاراتی که از زبان برخی نیروهای منتسب به جریانی خاص بیان می‌شود، عمدتاً جامعه را دو قطبی و شکاف‌ها را بیشتر می‌کند. این‌ها چه کسانی هستند؟ در برابر این باور چه باید کرد؟

برخی از کسانی که می‌خواهند از ارزش‌های گفتمان انقلاب دفاع کنند، متأسفانه افراد نافرهیخته، تربیت نشده و کوتوله‌های فکرای ایی هستند که به هیچ وجه لیاقت دفاع از این گفتمان را ندارند و با دفاع‌های بد، زشت و کریه گفتمان انقلاب را به بسیار زشت و کریه ساخته اند. افراد صادق و وفادار به گفتمان انقلاب باید به این افراد نادان و کوتوله‌های فکری تو دهنی بزنند. شما شخصیتی مثل سردار سلیمانی انقلابی را، که بیش از آن پرحرفی کند، با عمل و جانش از انقلاب دفاع کرد، مقایسه کنید با افراد نادانی که می‌گویند ایرانیانی که –یعنی همان افرادی که صاحبان واقعی این سرزمین بوده و انقلاب برای نجات و رهایی آنان صورت گرفته است، با شیوه خاصی از زندگی موافق نبوده‌از این کشور بروند یا آن فردی که می‌گوید مخالفان و منتقدان نظام سیاسی را که برای بیان مطالبات بسیاری موافق به حق شان به کف خیابان آمده اند باید مثله کرد؛ این افراد به هیچ وجه درک نمی‌کنند که این سخنان کوتاه فکرانه چه تصویر از انقلاب و گفتمان به جامعه و به جهانیان آن ارائه داده و چگونه بهانه به دست رسانه های صهیونیستی و وابسته به نظام سلطه جهانی برای تخریب نظام سیاسی ایران می‌دهند، باید از جانب نیروهای راستین و آگاه انقلاب تودهنی بخورند.

ما امروز باید به دو گروه تو دهنی نظری و فکری بزنیم. هر جریان و هر شخصیت و هر مقامی که بخواهد بر پیکر نحیف سرمایه‌های اجتماعی این کشور که در این چهل سال بعد از انقلاب به شدت آسیب دیده است ضربه زند و وحدت ملی آسیب دیده این کشور را در این شرایط بد که درگیر با تمام نظام سلطه جهانی و ده‌ها بحران اجتماعی و اقتصادی و محیط زستی و... است باز هم ضعیف‌تر سازد، باید چه در میان پوزیسیون و چه در میان اپوزیسیون به شدت از سوی نیروهای اصلی که به سرنوشت این کشور می‌اندیشند تو دهنی نظری و فکری بخورند.

از سوی دیگر آن دسته از شبه روشنفکرانی نیز که می‌کوشند دائماً آتش شکاف اجتماعی ملت را بیشتر و بیشتر کنند و در واقع می‌خواهند برادر را در برابر برادر قرار دهند و آتش نزاع‌های داخلی را برافروزند و می‌کوشند که در این آب گل آلود به خاطر انگیزه‌های فردی خودشان ماهی بگیرند باید با آن‌ها مقابله گفتمانی کرد و در مقابل گفتمان آن‌ها گفتمان تازه دیگری شکل داد و از این طریق به آن‌ها نیز تو دهنی زد.

این جمله که «اگر با ایدئولوژی من مخالف هستید، پس از ایران بروید» در دهه‌های گذشته بارها تکرار شده است. این چه تبعاتی دارد؟ این چه تبعات مشترک یقین داشته باشید که هر جریان سیاسی ایی که از این منظر با روح مشترک ملت مقابله کند صد درصد سرنگون و نابود خواهد شد. ملت ما روحیه نجیب و سازگارانه‌ای دارد و در تاریخ خود ارزش‌های فرهنگی و تاریخی بزرگ و والایی را خلق کرده است. حال بگذریم که در سده های اخیر بسیاری از این ارزش‌ها لکه دار شده است. اما این ارزش‌ها در بن وجدان مغفوله اجتماعی و تاریخی ملت ما